

نزدیک بینی در آموزشگاهها

- ۱ - مقدمه
- ۲ - مراقبت در آموزشگاهها بمنظور جلوگیری از نزدیک بینی
- ۳ - اقدامات اولیهی آموزشگاهها در خارج
- ۴ - خاتمه

نزدیک بینی گاه ارثی است و گاه اکتسابی؛ نزدیک بینی های اکتسابی بیشتر در دوره تحصیلات و یا در ضمن مشاغل مختلف پیدا میشود در هر دو حال نزدیک بینی مرضی است مزاحم و باین لحاظ باید از آن جلوگیری کرد و در صورت پیدایش از پیشرفت آن ممانعت بعمل آورد.

برای جلوگیری از پیدایش و یا پیشرفت نزدیک بینی در آموزشگاهها چه باید کرد؟

۱- آموزگار باید مراقب باشد که شاگردان در موقع قرائت و کتابت کاغذ را خیلی نزدیک چشم نگیرند **چه علت اصلی و عمده** نزدیک بینی اطفال همین قسمت است حد اقل فاصله ایکه باید بین چشم و کاغذ باشد ۲۵ سانتی متر در کودکانها و ۳۵ سانتی متر در دبستانهاست

۲- عملیات و دروسیکه احتیاج زیاد بچشم دارند باید در ساعاتی از روز گذاشته شوند که نور زیادتر و اطاق روشن تر است مثلاً بهتر است که مشق خط - نقاشی - خیاطی را در ساعت آخر صبح و یا ساعت اول بعد از ظهر قرار دهند بهمین دلیل باید از خواندن و نوشتن در موقع غروب که هوا رو بتاریکی است ممانعت بعمل آورد

۳- باید بدست اطفال کتبی داد که حروف آنها از حیث قطر نسبتاً درست و فواصل خطوط آنها نیز زیاد باشد

۴- کاغذ کتب و کاغذیکه شاگردان روی آن چیز مینویسند باید قدری مات

و متمایل بزردی باشد - کاغذ های براق و لیز برای چشم و دست هزدو مضر می باشد بهمچنین است تخته سیاه هائی که با رنگ روغنی رنگ شده و یا طوری نور بان میتابد که برق می زنند .

۵ - نوک قلم باید کمی درشت باشد که از ابتدا طفل برین نویسی و نازک نویسی عادت نکند شرط اصلی هر خطی خوانا بودن آنست و کسانی که ظرافت را در ریز نویسی و تنک نویسی و سوار کردن کلمات روی هم میدانند عاقبت بنزدیک بینی و کم سوئی چشم مبتلا میشوند

۶ - مرکب نیز باید کاملاً سیاه و یا آبی پر رنگ باشد مرکب های کم رنگ (مثل بعضی مرکب های کپیه) و یا زرد رنگ (مرکب گل پلاس) باعث ضعف چشم میشود
۷ - در مدت سال باید چندین مرتبه از شاگردان معاینه چشم بعمل آورد و کسانی که نزدیک بین هستند در طبقات جلو قرار داد

در اینجالاتمست نکته ای تذکر داده شود - در آموزشگاهها معمولاً شاگردان را از روی نمرات معدل امتحانات طبقه بندی مینمایند کسانی که حائز رتبه های اولند (ولو آنکه بلند قد باشند!) در طبقات جلو و سایرین را بترتیب نمره در طبقات عقب جا میدهند این ترتیب طبقه بندی البته وسیله ایست برای ترغیب شاگردان ساعی ولی عده ای از شاگردان دیگر ممکن است بواسطه درست ندیدن تخته سیاه بعلت نزدیک بینی و خوب نشیدن حرفهای آموزگار بسبب سنگینی گوش همیشه از شاگردان عقب مانده بوده و بر حسب تقدیری که نمره برای آنها معین میکند همیشه در میز های عقب بنشینند و روز بروز بواسطه عدم استفاده از کار های کلاس بیش از پیش عقب تر بروند و حال آنکه این اطفال تقصیر ندارند اگر بنقص جسمانی آنها توجه شود باید آنها را در جلو قرار داد (ولو آنکه از حیث نمره و درس از شاگردان دیگر یست تر باشند) پس باید آموزگار در این قسمت دقیق باشد همینکه در چشم و یا گوش اطفال علتی تشخیص میدهد باید آنها را جایی قرار دهد که استفاده از گفته ها و نوشته های او بکنند

علاوه بر مراقبتهای فوق‌مدیران و آموزگاران موظفند اقدامات دیگری نیز

ز نقطه نظر حفظ چشم اطفال در خارج از آموزشگاه بنمایند منجمله :

۱- کسانی را که تشخیص میدهند و یا حدس میزنند نزدیک بین هستند باید

نهاراً فوراً نزد پزشک آموزشگاه فرستاده تا معاینه و معالجه شوند

۲- باید علم و قدرت را بوالدین کودکان نیز کتباً اطلاع دهند که آنها نیز بنوبه

خود درصدد اقدام و معالجه برآیند

۳- بالاخره اگر عیب در میز و نیمکت‌های آموزشگاه است باید بوزارت معارف

(و یا صاحبان آموزشگاهها در صورتی که ملی باشند) اطلاع داده تا آنها را به تناسب

قد و سن شاگردان عوض و یا تعمیرات لازم بنمایند

میز در صورتی که بلند باشد طبعاً چشم طفل نزدیک صفحه کتاب و کاغذ قرار

خواهد گرفت (در بعضی مواقع اطفال کوچک کلاس اول و دوم پشت میزها می‌ایستند)

و در صورتیکه کوتاه باشد طفل خود را روی آن میاندازد و علاوه بر چشم ستون فقرات

او نیز معیوب میگردد

در خاتمه باید گفت که مریض نزدیک‌بینی نه فقط در دوره تحصیلات اسباب

اشکال و زحمت دانش‌آموزان است بلکه اگر بموقع جلوگیری نشود بر شدت آن اضافه

شده حتی در بعضی مواقع بکوری منجر میگردد بموجب آماری که قبل از جنگ بین‌المللی

در فرانسه درست شده از صد نفر کور یا زده نفر آنها بعلت نزدیک‌بینی بوده پس بر

آموزگاران واجب و فرض است که مراقبت کاملی در قسمت چشم‌های اطفال نموده تا

تزدیک بین نشوند و اگر بعضی از آنها بعلتی نزدیک بین هستند و یا شده اند لا اقل

مرضشان سخت‌تر نشود



محیط اجتماعی و هوش

« بقیه از شماره قبل »

لاهی Y. M. - Lahy در مقاله که تحت عنوان « هوش و طبقات اجتماعی » . سال ۱۹۳۵ انتشار داده بیش از هرکس در حل مسئله که مورد بحث ما میباشد کوشیده است . برای تعیین چگونگی هوش شخص مذکور تعریفی را که Stern در باره هوش فائل بوده نقطه اتکاء خویش قرار داده است : « هوش عبارت از استعداد و وفق دادن عمدی افکار با مقتضیات جدید است » پس از آنکه این تعریف مورد انتقاد Petres واقع شد باینصورت در آمد :

« هوش عبارت از استعداد بکاربردن وسائل فکر است که بر حسب منظوری شخص را با مقتضیات جدید مربوط مینماید » .

بعقیده استرن Stern فکری که از روی دانستگی و عمدی است هوش کامل را نبرساند زیرا يك اصل غیر اختیاری نیز وجود دارد که از خود شخص بروز مینماید . لاهی بر علیه همین اصل مبهم که ظاهرآ مربوط به ماوراء الطبیعه است قیام نموده و سعی دارد بوسیله تحقیقات خود این اصل را که تابع بررسی علمی نیست بر طرف نموده و مبحث هوش را در حدود اثرات حسی که قابل تحقیق و بررسی باشد وارد نماید . مشارالیه ۲۰۰ نفر از دانش آموزانی را که اولیای آنها فقط معلومات ابتدائی داشته و نیز ۲۰۰ نفر دیگر از آنهایی را که اولیای آنها از فارغ التحصیل های دانشکده ها و دارالفنون بوده اند انتخاب نموده و با طرح نمودن تست هایی مربوط به امثال و شجره انساب و ترجمه قطعات ادامه ردیف اعداء و قیاسهای منطقی و زبان خارجه و غیره هوش آنها را مورد آزمایش قرار داده و معدلهایی که بدست آورده معلوم داشته است که اطفال طبقات تربیت یافته براتب نسبت بسایرین جلو بوده اند ، لاهی از اقدام خود چنین نتیجه میگیرد که هوش نه فقط يك اثر انفرادی و مربوط باستعداد ذاتی شخص است بلکه يك اصل اجتماعی که تابع تحصیلات و محیط است در سرشت آن نیز دخالت دارد . بعقیده او آموزشگاه علاوه برآنکه طرز اعمال دیگران را بنا یاد میدهد اسنوب کنارهای فکری را نیز بنا میآموزد و در حائیکه آموزشگاه اشکال عادی منطقی را نیرو میبخشد اشکال مخصوص تعقل و ادراک را نیز پرورش میدهد .